

## خارج اصول. بررسی کتاب رجالی علامه حلی. جلسات ۱۲۱-۱۲۲/۱۲۱/۵/۱۴۰۰

سخن ما در مرحله نخست در وجه حجیت اقوال و آراء قدمای رجال را مانند کشی و نجاشی و شیخ بود که مورد بررسی واقع گشت. در مرحله بعد به وجه حجیت آراء و سخنان رجالیونی مانند علامه حلی و طبقات بعد یعنی علامه مجلسی و شهید و دیگران رسیدیم.

آنچه در این جلسه بیشتر مد نظر است توجه به سخنان رجالی جناب علامه ره می باشد.

### اشکال مرحوم خویی به علامه

مرحوم خویی دو اشکال عمده نسبت به اعتماد به فرمایش علامه دارد. در حالیکه ایشان اقوال رجالیون گذشته مانند نجاشی و کشی را از باب حجیت خبر واحد در موضوعات، و اینکه این توثیقات و تضعیفات بزرگی است که از بزرگی نقل کرد (دانستند) و نسبت به اعتماد به سخنان قدما مشکلی نداشتند اما نسبت به اعتماد به سخنان رجالیون متأخر مخصوصاً جناب علامه حلی دو مشکل را بیان کردند:

۱- از سخنان علامه فهمیده می شود ایشان اصالة العدالة است و شاهد بر این مطلب فرمایش ایشان در

ذیل ترجمه حال احمد بن اسماعیل بود که در جلسه قبل هم اصل سخن ایشان نقل و نقد شد.

۲- مشکل این است که شیخ طوسی کسی است که حلقه وصل علما و روات گذشته به علما و محدثین

بعد از خود است. هر اجازه روایی که ببینید منتهی به شیخ طوسی می شود و از او به علما قبل و

روات قبل از خود می رسد. هر آنچه از کتاب مرجع در حدیث و روایت در دست مثل علامه بوده اگر

آن کتاب سند داشته باشد ممکن نیست سند به شیخ طوسی منتهی نشود. علامه از بعضی کتب مانند

رجال ابن غضائری نقل کرده که اجازه ای نسبت به نقل این کتاب نیست و از آن قسمت کتبی نیست

که اجازه اش به شیخ منتهی شود. ولی کتابها را ایشان از باب وجاده به آن استناد کرده است. (وجاده

یعنی بزرگی مانند علامه، کتابی را از گذشتگان ببیند بدون این که به کتاب سندی داشته باشد اما

خودش وجده معتبراً. مثلاً با توجه به شواهدی یا قرائنی به نسخه ای اعتماد کرده و آن را کتاب ابن

غضائری دانسته است)

اعتماد از باب وجاده به یک نسخه به کار مجتهدان دیگر نمی آید. آنچه قابل ارائه است سند است و علامه

در مورد این منابع سند اراده نداد. هر جا در کلام علامه در علم رجال اثری دیدیم که در اجازات شیخ نبود

به این معنا نیست که علامه سندی در دست دارد که شیخ طوسی نداشته است به این معنا نیست که

سند علامه به آن کتاب از طریق غیر شیخ بود.

علامه دو گونه مرجع داشت:

۱- اکثر منابعی است که از طریق شیخ طوسی برسد که اینجا سخن علامه مستقل از کلام شیخ نیست. دلیل جداگانه ای نیست و یا وجاده است که به کار خودش می‌شاید که برای کار او مهم است. نظر محقق خویی این است کتاب رجال علامه یا همان حرفهای باسندی است که از طریق شیخ رسید که چیز مستقلی نیست تا برای رجال علامه جایگاه مستقلی باز کند

۲- و یا کتابها و منابعی است که علامه با قرائن و شواهد و خودش اطمئنان به کتاب حاصل کرده است. اطمئنان شخصی او که قابل ارائه و استناد برای ما نخواهد بود. لذا بخشی از سخن علامه امر مستقلی از سخن شیخ نیست. بخشی هم که مستقل است اجازه ای علامه ندارد که از طریق شیخ نباشد بلکه اعتمادش به کتاب و منبع از باب وجاده بود.

این اشکال در تقریرات سید سیستانی نقد و بررسی شد.

### سخن استاد

اما آنچه ما می‌گوییم بر گرفته شده و تلخیص بخشی از سخن ایشان است به اضافه آنچه در مبنای ما نسبت به کتب رجال از جمله مثل علامه بدان معتقدیم.

ما در اینجا به جناب خویی عرض می‌کنیم اگر دنبال این هستی که سخن علامه را از باب حجیت خبر ثقه در موضوعات درست کنید ان گونه که در مورد کلمات قدما بیان کردید باید به محضر شما بگوییم در خود کلمات قدما ما نتوانستیم از راه حجیت خبر ثقه در موضوعات مسندا تا زمان روات مطلبی قابل قبول پیدا کنیم. وقتی در مورد مثل شیخ طوسی و مرحوم نجاشی و کشی نتوانیم سند متصل در توثیقات و تضعیفات پیدا کنیم نتوانیم ان را نه از باب شهادت و نه از باب اعتبار خبر واحد در موضوعات درست کنیم نسبت به علامه و مرحوم مجلسی جناب شهید جای خود دارد.

ان طریقی که محقق خویی با ان طریق خواستند اعتبار به رجال شیخ و نجاشی و کشی دهند در مورد خود آنها، ان طریق دچار اشکال بود تا چه رسد به قرن‌ها بعد در زمان علامه و ابن داوود و مجلسی. لذا از ان راه ما دفاع از رجال علامه نمی‌کنیم ولی به این نکته اشاره می‌کنیم که اگر قبول کنیم که همه اجازات نقل روایت و نقل کتاب در رجال و حدیث اگر بر فرض به شیخ منتهی شود و هر آنچه علامه از اجازات دارد فرض کنیم که به شیخ منتهی می‌شود اگر جایی دیدیم که علامه از مثل ابن عقده نکته ای را نقل کرد که ان نکته در کلام شیخ طوسی نیست نگویید این نکته سند به ابن عقده ندارد مگر نه این است که شیخ طوسی اجازه دارد و سند دارد تا ابن عقده! مگر نه این است که علامه به همه اجازات سند دارد؟ مگر نه این است که علامه بوسیله شیخ طوسی به نسلهای قبلی متصل می‌شود؟

خوب حالا علامه سند به شیخ دارد از ابن عقده نقل می‌کند ابن عقده ای که شیخ هم به او سند دارد سند متصل است. نهایتا سخنی را در جایی از کتاب ابن عقده شیخ نقل نکرد علامه نقل کرد. اما علامه به شیخ سند دارد و شیخ هم به ابن عقده سند دارد. تمام آنچه دست ابن عقده بود شیخ سند دارد و تمام انها را برای

نسلهای بعد، از جمله علامه، اجازه داده است. پس علامه هم به همه کتابهای ابن عقده ولو از طریق خود شیخ سند دارد.

حال اگر رجال علامه را دیدم نکته ای را در رجال دیدم نگویم چون این علامه از مثل ابن عقده نقل کرده و این سخن از طریق شیخ دیده نمی شود (مشکل دارد) صرف این که در کتابهای شیخ سخن ابن عقده نیست مشکلی ندارد!!

علامه متصل به ابن عقده می شود اما از باب وجاده نیست ممکن است در مورد اعتماد به ابن غضائری از باب وجاده باشد اما در اعتمادش از ابن عقده جای وجاده نیست چون سند دارد.

اگر به دیده تحقیق رجال علامه را ببینیم یک بخش سخنان علامه تکرار و تاکید سخن نجاشی و شیخ است. علامه سخن نجاشی را قبول کرد این تقویت رجال نجاشی است.

بخشی از رجال علامه اجتهادات و استنباطات رجالی علامه است. والاقوی عندی کذا.....

اینجا با سخن یک مجتهد در رجال روبرو هستیم که البته حجیت مستقل ندارد اما در حد قرینه و شاهد قابل اعتناء است.

از طرفی بخشهایی از سخنان علامه، سخنانی است که او با اسنادی که به کتب گذشتگان داشته نقل کرده است. سخنانی که شیخ طوسی یا نجاشی نیاورده است.

این هم بر اساس اعتماد اسناد، بخشی دیگری از کلمات علامه است که سخنانی است که علامه از گذشتگان شیخ دارد اما شیخ نقل نکرد.

نتیجه این است:

۱- ایشان اصالة العدالة نیست بلکه در مورد شخصیت‌های سرشناس شیعه که اگر نقطه ضعفی دارند حتما متذکر می شدند. می گوید این افراد اگر دچار ضعف باشند ضعفشان مسکوت نمی ماند نه این که در مورد هر کس از شیعیان شک در عدالت کنیم اصل را بر عدالت او قرار دهیم. چنین چیزی دلیل ندارد. و علامه چنین اعتقادی ندارد.

۲- کتاب علامه یک دست نیست نمی توان به همه فرمایشهای علامه در کتاب رجال از یک منظر نگاه کرد چنان که حتی در مورد رجال نجاشی نیز گفتیم که نمی توان همه آن را یک دست دانست که مثلا همه اش اجتهاد است. نه! اگر چه در مواردی حدس و اجتهاد است. نمی توان گفت همه اش غیر مسند است. برخی از آنها مسند است در کتابهای قبلی آمده است چنانکه حتی کتاب نجاشی با این که امام اهل رجال است و از قدما کتابش یک دست نیست!! ما مواردی داریم که علامه اجتهاد خودش را بیان کرد که طبیعتا این گونه موارد از ارزش کمتری برخوردار است. مواردی داریم که علامه عینا

یا به تصریح اسم مشخصات مانند نجاشی، و شیخ را نقل کرده است. این قسم از رجال در این حد کاربرد دارد که نظر مرحوم نجاشی و شیخ را تأیید و تأکید کرده است.

۳- گاهی علامه از کتبی نقل می کند که سندی الان از شیخ طوسی نسبت به آن کتاب در دست نیست. که ظاهرش این است علامه از باب وجاده وارد شده است مانند اعتماد بر رجال ابن غضائری. اینجا ارزش نسبتاً خوبی دارد اما به تنهایی هر گز قابل استدلال نیست. گاهی علامه مطلبی را از کتابهایی نقل می کند. مانند رجال ابن عقده که در دسترس شیخ بوده و در اجازات آمده و شیخ از آنها در کتابهای خودش نقل قول کرده اما علامه چیزی را بیان کرده است که در کتاب رجال و فهرست شیخ وجود ندارد. اینجا را هم وقتی شیخ طوسی همه این کتابها را سند داشته وقتی علامه به همه اجازات شیخ طوسی سند دارد پس علامه به همه کتب و گفته های ابن عقده سند دارد ولو سند را بیان نکرده باشد اما سند دارد و سند هم منتهی به شیخ طوسی می شود و از شیخ طوسی سند به ابن عقده می رسد لذا رجال علامه یک دست نیست.

ما که در رجال نجاشی گفتیم محققانه باید تک تک عبارات او را دقت کنیم (یا قبول کنیم یا رد کنیم)، وقتی نسبت به سخن مثل نجاشی چنین چیزی را اثبات کردیم نسبت به رجال علامه و ابن داود و ابن طاووس و شهید و مجلسی به طریق اولی چنین سخنی می گوییم. لذا هیچ یک از ما بی نیاز از علامه و ابن داود و ابن طاووس نیستیم.

اولاً محقق در رجال باید به این کتب مراجعه کند نه این که فقط و به نجاشی و شیخ اکتفاء کنیم. ثانیاً مراجعه ما به رجال علامه به این معنا نیست که هر کسی را که علامه توثیق کرده با سند متصل صحیح توثیق کرده نه! گاهی توثیق و تضعیف اجتهادی است گاهی غیر اجتهادی. گاهی می توان از راه حس و دادن سند سخن او را به نحوی تقویت کرد گاهی سخن او نشان از حدس و اجتهاد دارد لذا به رجال علامه و دیگران نیازمندیم اما نه بعنوان یک مدرک رجالی مستقل. برخی از علمای حدود صد سال قبل می گویند فلان فرد موثق است زیرا علامه توثیق کرده این گفته به این حد قابل قبول نیست. اما معنایش این نیست که ما رجال علامه را کلاً از منابع رجالی کنار نهیم. اینها را اضافه کنید به برخی نکات نابی که در مورد روات در کتاب علامه می توان یافت. این تمام توضیح در مورد رجال جناب علامه بود.

حسین مقدس

جلسات ۱۲۱/۱۲۲

۱۴۰۰/۵/۲۱